فهرست:

[بحث مقدماتي: وا‍ژگان قرآني 2](#_Toc353018803)

[ارشاد 2](#_Toc353018804)

[هدايت 3](#_Toc353018805)

[دعوت 5](#_Toc353018806)

بسم الله الرحمن الرحیم

## بحث مقدماتي: وا‍ژگان قرآني

#### ارشاد

بحث در این بود که ارتباطی که فرد مربی با دیگری برقرار می کند در محدوده عقاید و معارف ... این ارتباط گاهی برای این است که به او آگاهی ببخشد در حوزه ذهن او تأثیر ببخشد و عقاید را بشناساند که این عملیات، تعلیمی است و از این عملیات به عنوان واژه قاعده ارشاد تعبیر می شود و الا معنای لغوی ارشاد ، رشد دادن است و رشد دادن همیشه این نیست که به او علم بدهد ولی اصطلاح ارشاد هم کارهای تعلیمی و هم تربیتی را شامل است ولی اینجا اصطلاح ارشاد جاهل را به معنای دوم یعنی آگاه کردن دیگران به معارف و اخلاقیات و معارف دین . گرچه این معنی اعم از آگاهی سازی است.

در فقه و در قاعده ، معنای دوم جعل شد و اعلام و تعلیم جعل شد که محدوده اش بحث شد. بنابراین ارشاد به معنای عام اعم از تعلیم و تربیت است اما در این قاعده فقهی، ارشاد به معنای اعلام و تعلیم است. بعد گفته شد که ارشاد جاهل در جایی ، واجب، و در جایی حرام، و در موضوعاتی با شرایطی مباح است و در جاهایی ممکن است ارشاد، مکروه است، فلذا مقصودمان ارشاد به معنای خاص است و احکام خمسه هم دارد .

مقصود در قاعده بعدی، فعالیتهای فراتعلیمی است و سوال از این است که آنها چه حکمی دارند؟ در این فعالیتها این شخص می داند ولی باید این مسئله و دانش را نهادینه کرد ، تقویت اراده در او و ایجاد انگیزه در او و احیانا تغییر شرایط محیطی و اجتماعی را شامل است و فعالیتهای تربیتی به معنای خاص است مثل ارشاد که ارشاد به معنای خاصش است .

#### هدايت

اینجا هم قاعده هدایت و تربیت دو معنی دارد:

الف: معنای عام: دیگری را راهنمایی کند راهنمایی گاهی به علم و آگاهی... گاهی هم به رشد دادن است.

مقصود، عملیاتی غیر از آگاهی بخشی است و مجموعه فعالیتها و اقداماتی که بعد از آگاهی اوست و حکم این موارد بررسی می­شود. این که او متدین شود و التزام قلبی پیدا کند و خلقیات روحی و درونی در او ایجاد شود و یا رفتارهای دینی در او مجسد شود.

در بحث­های سابق، یادآوری، اخراج شخص از نسیان و غفلت در ارشاد برده شدولی تکرار و تأکید داخل بر قاعده هدایت می­شود اینها جعل اصطلاح است ممکن است بعد از بحث فهمیده شود که اشتراکاتی دارد که ...

دو بحث وجود دارد:

یک بحث آگاهی دادن و خروج شخص از جهل و نسیان و غفلت است.

دو: این آگاهی را دارد و او را ملتزم به عمل کند و علیرغم علم آموزی باید اقدامات تربیتی به معنای خاص صورت گیرد و جامعه مأمورند که فعالیت تربیتی و تبلیغی کنند که این علم آموزی به نتیجه برسد.

الآن در نظامهای آموزشی و تربیت دینی در نظامهای سکولاریستی ، ارشاد در حد تعلیم و اعلام است و کاری با نهادینه شدن و .. ندارد، قاعده هدایت فراتر از آن در پایبندسازی او داریم یا نه؟ که فی الجمله وجود دارد و باید بحث شود.

این بحث مثل تعلیم و تربیت است که یک وقت آگاهی دادن است و یک وقتی این آگاهی دادن کافی نیست و کار دوم که یادآوری و وعظ و نصیحت و است و ایجاد داعی کند تا این عمل خودش را نشان دهد و به مرحله عمل برسد.

بنابراین مفهومی که از این قاعده هدایت( نامگذاری این قاعده مهم نیست جعل و اعتبار است) بعد از اين بحثها، وارد بحث قرآنی که فرافقهی است، پرداخته مي­شود.

در قرآن واژه هایی که در بحث تربیت بکار رفته است که معنای عام تربیت است که خیلی از آنها تعلیم را شامل است که مهمترین اینها عبارت است:

1ـ هدایت؛ بارها این لفظ به کار رفته است واژه ای که کاربردش زیاد است و متداول است و تعداد استعمالش زياد است. در متن هدایت، دلالة بالعنایة و با دلالتی که با نوعی لطف همراه است که در فارسی به آن دلالت گفته می­شود. گاهی با غضب دلالت دارد ولی اینجا با نوعی دلسوزی همراه است. هدایت تشریعی و تکوینی داریم و به تعبیر دیگر ارائه طریق و ایصال الی المطلوب داریم که اینها مراتب هدایت است منتهی گاهی راهنمایی که حالت تشریعی و حالت تکوینی دارد.

نکته1: گاهی قرآن به خدا نسبت داده شده است که اکثریت است، گاهی هدایت به خود قرآن نسبت داده شده و گاهی هم به انبیاء نسبت داده شده است و گاهی به غیر اینها نسبت داده شده است مثلا در مکه دارد **«لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمين‏»**آل عمران/96 این هم نادر است بهر حال هدایت درسلسله مراتب هدابت به کار رفته است که به خدا نسبت داده شده و گاهی به ابزار هدایت که کتاب و پیامبران است و تبعا در ادامه به انبیاء و اولیا و و اوصیای و کسانی که در امتداد اینها قرار می گیرند **«وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى‏ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَق‏»**اعراف/159.

نکته2: در واژه هدایت، این واژه از واژه هایی است که مثل تربیت، معنای عام دارد، هدایت معنای دانشی را شامل است، و هم اقدامات و امور دیگر که فرا دانشی و جنبه انگیزشی است هم او را علم می دهد و غیر علم را، فلذا مفهوم هدایت از حیث لغوی غیر از مفهوم هدايتي است که در قاعده هدايت مي گوييم، هدايت در قرآن ، معناي عام دارد ، هم دانشي، هم بيشني و هم گرايشي و انگيزشي و رفتارسازي را مي گيرد اينها هدايت است دلالة باللطف، اين که او را راهنمايي کند ، به سمت مقصد راهنمايي کند هم جنبه تعليمي دارد و هم جنبه غير تعليمي دارد.

2ـ واژه دوم که بیش از هدایت به کار رفته واژه دعوت و فراخواندن است و مفهوم دعوت هم روشن است که گاهی ندا می گویند، ولی دعوت یعنی فراخواندن ، منتهی خواندن به سمت چیزی است یعنی ندا ، هر نوع خواندن منتهی خواندنی که او را به سمت چیزی می خواند.

جنس این خواندن، نداست و فصلش خواندن به سمتی است.

قسم اول: خواندن برای خود است ، دعا له ، دعا او را برای حاجتی خواندن برای خدا که با لام می اید .

#### دعوت

قسم دوم: که با بحث ما مرتبط است یدعوه ، او را می خواند الی کذا .

پس در قرآن دعا و دعا دو شاخه اساسي دارد:

یک: دعای اصطلاحی ما که براي حوائج است و با لام هم متعدي مي شود. يدعو له ، يدعو لک ، قسم اول ، خواستن براي خود يا شخص ديگري است دعا له، ‌دعا او را براي يک حاجتي.

دو: دعوت که با بحث حاضر مرتبط است متعلقش الي کذا است . **يدعوه الي** کذاست ، **دعا الی الله ، یدعوه** .

یک عنصر مشترک در هر دو وجود دارد و آن، فراخواندن است، اما اين دعا، خواندن براي خويشتن به جهت کاريست.

3ـ خواندن، اول با صوت و ندا بوده است ولی بعدا تعميم پيدا کرد ، لازم نیست که همیشه اینگونه باشد مثل نوشتن و یا با هر ابزار دیگر را شامل است.

بنابراین آیاتی که با اين بحث، مرتبط است از قسم دوم است.

4ـ دعوتی که می گوییم مثل هدایت ، اعم است دعاه الی کذا ، یعنی به او آگاهی داد یا این که دعاه الی کذا ، کار تربیتی فراتر از آگاهی می کند گرجه دومی اقوی و اظهر باشد ولی در عین حال من دعا الی الله اعم از این است . بنابراین دعا هم آگاهی دادن و ترغیب را شامل است و ممکن است بگوییم دعا الی الله کار تربیتی است و تعلیم مقدمه اش است . این دو وجه است که می توان گفت و بعید نیست . ظاهر اولی دعوت به اینجا را دعا نگویند ولی برخی کاربردهای قرآنی دارد ولذا اظهر دعا اعم از کارهای تربیتی و تعلیمی دارد.